

## ۱ - ایام هاء ، نوروز

مقدمه صورت نامه نبیل زرنندی است که از عگا فرستاده بود قوله: " در کتاب اقدس از برای من فی العالم چهار عید مقرر شده که اهل بها در آن اعیاد مبارکه لِحَبِّ اللّهِ بقدری که منافی با حکمت منزله در الواح اللّهِ نباشد اجتماع و ملاقات نمایند و در غیر آن ایام جمیع باشتغال و اکتساب و اقتراف مشغول شوند و آن اشتغال را نفس عبادت غنی متعال دانند تا بدینواسطه خلق از بطالت و کسالت که اکثر آفاق را گرفته نجات یابند .

اول یوم الهاء من شهر الهاء که یوم نوروز قدیم و عید صیام جدید بدیع است که مبدء شهر و سنه میباشد که اظهار نعمای الهی در آن محبوب محبوب عالمیان است دویم عید اعظم که سلطان اعیاد است و آن ایامی است که جمال قدم از بیت اعظم اشراق نموده رضوان نجیبیه را بنور جمال مزین فرمودند و آنرا عید رضوان و عید گل هم میگویند و آن دوازده روز است از اول ورود جمال قدم بآن رضوان که عصر سی و دویم از نوروز تا خروج از رضوان که ظهر یوم چهل و سیّم عید نوروز است و در سه روز آن اشتغال حرام است و نهی شده یوم اول که از عصر اول است تا عصر یوم بعد ( در تمام آن روز اول اشتغال حرام است ) و یوم نهم و یوم آخر و در باقی ایام باکتساب مشغول شوند عید سیّم یوم پنجم جمادی الاولی سنه یکهزار و دوست و شصت که قریب اذان عشای آن شب حضرت اعلی روح العالمین فداه بامر سلطان یفعل ما یشاء برای جناب باب الباب علیه بهاء الله العزیز الوهاب اظهار امر فرمودند لذا آن شب و روز را عند الله قدر عظیم است و اعزاز آن عید مبارک بر جمیع اهل بهاء از اوامر الله است چهارم عید مولود جمال قدم که فجر دویم ماه محرّم سنه یکهزار و دوست و سی و سه بنور جمال خود کلّ عالم را منور فرمودند در تاریخ مولود مبارک در آن مثنوی که در ارض سرّ بامر سلطان مقتدر از ابتدای خلقت عالم تا یوم میلاد آن نیر اعظم مرقوم شد این فرد از لسان بقلم جاری شد: مستعد باشید یاران مستعد جاء غیب لم یلد یولد وُلد ( مصرع دوم تاریخ است که اگر جاء بغیبی لم یلد یولد ولد بخوانیم با ۱۲۳۳ منطبق میباشد ) باری آن یوم مبارک از اشرف و اکبر اعیاد و یوم اول محرّم نیز مولود حضرت مبشر جمال ابهی حضرت ربّ اعلی روح العالمین له الفداء است که در نیمه شب اول محرّم سنه یکهزار و دوست و سی و پنج بوده و هر روز یک عید محسوب است ( چون یوم اول محرّم را عید جداگانه و منتهی بدوم محرّم بدانیم چنانچه از خود کتاب همین مستفاد است اعیاد مذکور در کتاب پنج

میشود) و سال هم نوزده ماه مقدر و هر ماه نوزده روز که عدد جمیع سیصد و شصت و یک عدد میشود چون ایام سال شمسی سیصد و شصت و پنج و بعضی سالها سیصد و شصت و شش روز است پنج یوم زائده و کسر را که مظاهر هاء و ایام اعطاء قبل از امساک مقرر فرموده‌اند باید قبل از شهر صیام قرار داد و ماه صیام ماه آخر است روز نوروز عید و اول سال است و اسامی نوزده ماه را باین نحو مقرر فرموده‌اند ماه اول شهر الهاء دویم شهر الجلال سیّم شهر الجمال چهارم شهر العظمة پنجم شهر النور ششم شهر الرّحمة هفتم شهر الکلمات هشتم شهر الکمال نهم شهر الأسماء دهم شهر العزة یازدهم شهر المشیة دوازدهم شهر العلم سیزدهم شهر القدرة چهاردهم شهر القول پانزدهم شهر المسائل شانزدهم شهر الشرف هفدهم شهر السلطان هیجدهم شهر الملك نوزدهم شهر العلاء همچنین این نوزده اسم الله را در اسامی ایام هر ماه از ابتدا تا یوم نوزدهم اطلاق میشود مثلاً یوم اول هر ماه یوم الهاء دویم یوم الجلال سیّم یوم الجمال ، بهمین نحو تا آخر و اسامی ایام هفته را نیز از اسماء الله تعیین فرموده‌اند مثلاً شنبه یوم الجلال یکشنبه یوم الجمال دوشنبه یوم الکمال سه شنبه یوم الفضال چهارشنبه یوم العدال پنجشنبه یوم الاستجلال جمعه یوم الاستقلال و بدو سنه از سنه اول ظهور است از واحد اول از اول تعداد نموده تا بنوزده که یک واحد است منتهی شود ثانیاً واحد دیگر و کذا ثالثاً الی ما لا نهیة ولی در تعداد سنه از اول و دویم و سیّم الی عدد واحد اوازید تعداد و ذکر واحد اول و ثالث الی آیی عددی یعدّ باید ذکر شود مثلاً تا واحد منتهی نشده مرقوم میشود سنه اول یا دویم یا سیّم از واحد اول و چون نوزده تمام شد سنه اول یا چهارم یا نهم مثلاً از واحد ثانی و یا ثالث و یا رابع الی ما لا نهیة مرقوم گردد (و چون اصطلاح کلّشی در ضریب عدد نوزده در نفس خود باعتبار بیاوریم و هر نوزده واحد را یک کلّشی بخوانیم و نیز نامهای باب و ابد و غیرهما را مثلاً برای سال پنج و هفت و غیرهما اطلاق کنیم که نبیل در نوشته‌های دیگرش کرد پس مثلاً در تاریخ چنین نویسیم در سنه ابد از واحد پنجم از کلّشی هفتم و بر این قیاس است)

**در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ:** " إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ تِسْعَةٌ عَشْرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ زُيِّنَ أَوْلَاهَا بِهَذَا الْأَسْمِ الْمَهْمِينِ عَلَى الْعَالَمِينَ ... "

**و قوله جلّ و عزّ:** " و جعلنا النيروز عيداً لكم ... و اجعلوا الايام الزائدة عن الشهور قبل شهر الصيام انا جعلناها مظاهر الهاء بين الليالي و الايام لذا ما تحددت بحدود السنة و الشهور ينبغى لأهل الهاء ان يطعموا

ففيها انفسهم و ذوى القربى و المساكين و يهللن و يكبرن و يسبحن و يمجدن ربهم بالفرح و الانبساط و اذا تمت ايام الاعطاء قبل الامساك فليدخلن في الصيام كذلك حكم مولى الانام طوبى لمن فاز باليوم الاول من شهر البهاء الذى جعله الله لهذا الاسم العظيم طوبى لمن يظهر فيه نعمة الله على نفسه انه ممن اظهر شكر الله بفعله المدل على فضله الذى احاط العالمين قل إنه لصدر الشهور و مبدئها و فيه تمر نفة الحيات على الممكنات طوبى لمن أدركه بالروح و الريحان نشهد إنه من الفائزين "

**و در رساله سؤال و جواب است :** " هر روز شمس تحویل شود همان یوم عید است اگر چه یک دقیقه بغروب مانده باشد و اما در فقره عید صوم ایام زائده شهور قبل از ایام صوم است و بعد وارد در صوم شوند و نوزده یوم تمام باید صائم شوند و یوم منسوب باسم اعظم که یوم عید است اگر تحویل مثلاً بعد از ظهر یا عصر واقع آن روز عید خواهد بود چه که مثل آن ساعت مثل شمس است اشراق آن بر کل آن یوم واقع میشود و مخصوص چون باسم اعظم منسوب است حکم عصر آن یوم مثل فجر عند الله محسوب است لذا در هر وقت از یوم که تحویل شود آن یوم عید خواهد بود طوبی للمتقین .